



## طلاکاری گنبد حرم امام رضا (علیه السلام)

بهزاد نعمتی\*

چکیده :

گنبد حرم امام رضا (علیه السلام) مهم‌ترین و معروف‌ترین نماد این مجموعه است. نمای طلای این گنبد را شاه تهماسب اول صفوی ساخت و دو تن از جانشینان وی، شاه عباس اول و شاه سلیمان آن را تعمیر و کتیبه‌هایی به آن اضافه کردند. علاوه بر آن، دو بار دیگر در سال ۱۲۹۰ ش. و ۱۳۵۹ ش. این نما تعمیر و مرمت شد. مقاله حاضر با استفاده از اسناد و تصاویر آرشیو آستان قدس و منابع تاریخی، به بررسی تاریخچه نمای طلا و بازسازی‌های آن می‌پردازد و ضمن بررسی مشکلات و موانع ناکاری جدید، به نحوه تأثیر این کتیبه بر کتیبه‌های دیگر حرم اشاره می‌کند.

کلید واژگان: علی بن موسی (علیه السلام)، گنبد طلای حرم امام رضا (علیه السلام)، آستان قدس رضوی.

\* کارشناس ارشد ایران شناسی

## مقدمه

گنبد طلا درخشانترین و مشهورترین جلوه حرم مطهر است که از دوردست پیداست و همواره محل توجه زائران و بازدیدکنندگان بوده است. نمای آن از بیرون با ورقه‌های مسی آب طلاکاری پوشیده و از داخل با قطارهای مقرنس گچی آینه‌کاری، آراسته شده است. این گنبد نماد شکوه، عظمت و مکتب بارگاه رضوی محسوب می‌شده و چون تصور اغلب عموم، این بوده که نمای گنبد از خشت‌های تمام طلا پوشیده شده، در نظرها شکوهی دوچندان داشته است. طلاکاری، تعمیر و نگهداری این گنبد امر کارهای مهمی است که همواره از سوی دست‌اندرکاران هر دوره، به آن توجه خاصی شده و دو مورد آن نیز در کتیبه‌های بیرون گنبد منعکس شده است. در حال حاضر بقعه مطهر حضرت به‌عنوان هسته اصلی حرم مطهر، یک گنبدخانه رفیع است. بنایی چهارطاقی که بر فراز آن یک گنبد دو پوسته گسسته، با ساقه بلند قرار دارد (تصویر شماره ۱).



آستان قدس راه یافته است (به‌عنوان مثال ادیب هروی، ۱۳۲۷: ۳۳۸؛ مؤمن، ۱۳۵۶: ۷۳ که نقلی پریشان دارد؛ عطاردی، ۱۳۷۱: ۱۳۸/۱). او کتیبه‌های ترنج‌ها را نیز با چند اختلاف و افتادگی جزئی نقل کرده (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۲: ۴۱۶/۲) که مانند کتیبه دوسر گنبد، این خطاها به آثار بعدی منتقل شده است (به‌عنوان مثال عالم‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۵۸). همچنین رسول جعفریان در یک یادداشت کوتاه، یک متن مختصر عربی را که توسط آقا حسین خوانساری نوشته شده و خلاصه آن در کتیبه ترنج‌های گنبد آمده، از حاشیه یک نسخه خطی نقل کرده و بیش از این، وارد این موضوع نشده است (جعفریان، ۱۳۸۸). کتاب‌های تاریخی دوره صفوی به طلاکاری گنبد اشاره دارند. این اشارات بسیار مفید ولی به‌ویژه درباره طلاکاری دوره تهماسب بسیار پر ابهام اند. در جریان توپ‌بندی روس‌ها، درباره تخریب گنبد مطالب نسبتاً مفصلی در منابع مرتبط هست، اما درباره تعمیرات آن، اشارات محدود است. درباره آخرین طلاکاری در دوره معاصر نیز گزارش بسیار مختصری در یکی دو کتاب چاپ روابط عمومی آستان قدس به چشم می‌خورد.

گرچه از حدود سال ۱۰۰۰ ق. و اوایل دوره شاه عباس اول به بعد، شماری از مکاتبات اداری و اسناد حرم مطهر، در مرکز اسناد کتابخانه آستان قدس وجود دارد؛ اما متأسفانه این اسناد کامل نیست و درباره موضوع طلاکاری و تعمیرات دوره شاه عباس و توپ‌بندی، چیزی در آن‌ها یافت نمی‌شود. ولی برخلاف آن، درباره تعمیرات دوره معاصر، مکاتبات، صورت‌جلسه‌ها و اسناد مختلفی وجود دارد که نحوه و خرمان بازسازی را تا حد زیادی روشن می‌سازد. تصاویر تاریخی موجود در آرشیو مرکز اسناد کتابخانه آستان قدس هم روشن‌کننده برخی نکات مهم در این باره است. وضعیت نما و آسیب‌های آن بعد از توپ‌بندی و همچنین در سال‌های پیش از آخرین بازسازی در این تصاویر به خوبی منعکس است. علاوه بر آن، امر مراحل نوسازی دوره معاصر نیز عکس‌های خوبی در این مجموعه وجود دارد.

## طلاکاری گنبد

شاه تهماسب اول (حکومت ۹۳۰ تا ۹۸۴ ق.). دومین پادشاه صفوی، برای اولین بار گنبد مطهر رضوی را طلا کرد. پیش از آن و مطابق گزارش صدرالدین سلطان ابراهیم امینی مورخ دوره صفوی (مقتول در ۹۳۷ ق.) نمای گنبد مطهر با کاشی سبز رنگی پوشیده بود (امینی هروی، ۱۳۸۳: ۳۴۷). این اشاره به نوع و رنگ نما بسیار مغتنم و تنها خبری است که منابع موجود، در این باره داده‌اند. تهماسب در شرق کشور مسئله بزرگ و کهنه‌ای داشت و آن، دست‌درازی و غارت‌های پی‌درپی قوم ازبک بود که در ورا رود اقامت داشتند. آن‌ها دائماً به مرزها

ارتفاع از کف حرم تا انتهای پوشش درونی ۱۸/۸ متر و از کف حرم تا انتهای پوشش بیرونی ۳۱ متر می‌باشد. دوسر گنبد در سطح خارج ۴۲ متر و ارتفاع از اول طلاکاری تا نوک گنبد ۱۶/۵ متر است (سعادت، ۱۹۷۶ م: ۱۵)

درباره نمای گنبد مطهر کتاب یا مقاله مستقلی وجود ندارد. متن کتیبه دوسر گنبد را شاید برای اولین بار، اعتمادالسلطنه در سال ۱۳۰۰ ق. در *مطلع‌الشمس* نقل کرده (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۲: ۴۱۴/۲)؛ اما خوانش وی با اندکی افتادگی همراه بوده و متأسفانه، با توجه به اهمیت *مطلع‌الشمس* در میان منابع تاریخ حرم مطهر، این افتادگی به تمامی آثار بعدی، مانند کتاب‌های تاریخ

به خشت طلا مرتب ساخته، عبرت گنبد فیروزه فام فلک گردانیدند» (شیرازی، ۱۳۶۹: ۷۵).  
در همین سال ۹۴۰ ق. بود که وی دستور داد بارویی استوار برای شهر مشهد ساخته شود. کار این دیوار تا دو سال بعد، یعنی ۹۴۲ ق. طول کشید (قمی، ۱۳۵۹: ۱۹۱/۱؛ ترکمان، ۱۳۳۵: ۶۳/۱). به دلیل وجود چنین مانعی، شهر مشهد تا چند دهه بعد از غارت ازبکان مصون ماند؛ یعنی به سرغم ادامه هجوم ازبکان به خراسان تا ۹۴۶ ق.، شهر مشهد از سال ۹۴۲ ق. به بعد از ورود آن‌ها به داخل شهر، در امان بود. با امنیتی که در شهر به وجود آمد، شاید طلاکاری گنبد از این زمان به بعد، به شکل جدی اجرا شده باشد.

به هر روی، شاه برای تحقق این تصمیم «مقدار شصت و سه من طلا [= ۱۸۹ کیلوگرم (ر.ک. هینتس، ۱۳۶۸: ] به جهت گنبد و هفده من [= ۵۱ کیلوگرم] جهت میل گنبد صرف نمود» (افوشته‌ای نطنزی، ۱۵). طلاکاری گنبد هم از جهت استفاده از پوشش فلزی بر روی آن و هم استفاده از جنس و رنگ طلائی، یک نوآوری و ابداعی خلاقانه بوده که احتمالاً تا آن زمان، در دنیای اسلام نظیری نداشت. این نما به صورت خشت‌های مسی روکش شده با ورقه‌های نازک طلا اجرا می‌شد. بعداً ایوان طلای نادری و ایوان طلای ناصری به همین شیوه اجرا شد. اسناد طلاکاری ایوان طلای ناصری مربوط به دوره ناصرالدین شاه نشان می‌دهد که ابتدا مسگران و صفاران ورقه‌های مسی را برش زده و پرداخته، به شکل خشت‌هایی قابل نصب بر بدنه آجری آماده کرده، سپس زرگران آن‌ها را مطلقاً می‌کردند (سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها... سند شم. ۱۶۱/۱: ۴۰).

ظاهراً شاه باید از این اقدام خود بسیار خرسند باشد، چون در تذکره‌ای که بعدها، خود شخصاً نگاشته، خوابی را به صورت پریشان روایت می‌کند که در روزهای انتظار لشکرکشی اثر هرات به حدود بلخ، دید: امام علی (علیه‌السلام) در خوابش آمد و توصیه کرد «بعد از فتح سمرقند [کذا؟] گنبد مرا، تو یا اولاد تو مثل گنبد امام ثامن ضامن امام رضا علیه‌السلام بسازید» (تهماسب، ۱۳۶۳: ۲۲). به هر روی صرف ۲۴۰ کیلوگرم طلا که هزینه‌ای هنگفت مرا می‌طلبید، انعکاس تبلیغی زیادی می‌توانست داشته باشد، مخصوصاً که در میان مردم چنان می‌نمود که گنبد از خشت‌های تمام طلا پوشیده شده است.<sup>۱</sup>

۱- باید بلخ (مزار شریف فعلی) باشد که مقبره‌ای منسوب به امام علی (علیه‌السلام) دارد؛ نه سمرقند.  
۲- عبدالکریم کشمیری مورخ دوره نادر شاه، هم‌زمان با نهضت طلاکاری ایوان جنوبی و گلدسته شمالی صحن که در این دوره به راه افتاده بود، در این باره رفع ابهام می‌کند: «و این سخن که در اکثر بلاد مشهور است که گنبد آن حضرت را خشت‌های طلا به کار برده‌اند، اصلی ندارد، مگر خشت‌های طلا عبارت از تنگه‌های مس مطای مُلَمَع باشد که دوسر گنبد مقدس آن حضرت چسبانیده‌اند». (کشمیری، ۱۹۷۰ م، ۹۸).

و سرزمین‌های شرقی صفویان، اثر جمله هرات و مشهد یورش می‌بردند. او که این گرفتاری را از زمان پدرش به ارث برده و همچنان با این مسئله درگیر بود، توانست در ابتدای سال ۹۳۵ ق. و در پنجمین سال حکومت، در حالی که هنوز شانزده بهاس از عمرش نگذشته بود، عبیدالله خان ازبک را در جام شکست داده و این قوم مزاحم را موقتاً از خراسان فراری دهد. شاه که پیش از جمع کردن لشکر پریشان و هجوم نهایی بر مهاجمان، به مشهد رفته و در حرم مطهر اثر «حضرت شاه خراسان استشفاع نموده» بود، در تصمیم نهایی برای هجوم به سپاه ازبک به سرداران خود گفت: «نوعی کنید که سپاه پراکنده ما مجتمع گردند که حضرت امام رضا (علیه‌السلام) سلطنت به ما داد» (افوشته‌ای نطنزی، ۱۳۷۳: ۱۳؛ قمی، ۱۳۵۹: ۱۷۸/۱ به بعد). بدین ترتیب بود که پس از پیروزی به مشهد بازگشت و تصمیم گرفت گنبد مطهر و گلدسته کنار آن را از طلا بپوشاند. مورخ این دوره از نذر شاه برای این کار صحبت می‌کند:

«[...] قرین فتح و نصرت در ضمان عافیت و سلامت به مشهد مقدس معلی خرامید. و از جلایل تأییدات و میامن توفیقاتش آنکه در اوایل عنفوان جوانی و مبادی سلطنه و کامرانی، در آن آستانه کعبه نشان اثر جمیع مناهی و مَلاهی تائب و نادم گردیده و [...] به شکرانه این توفیق و وقوع نصرت بر آن فریق، نذر فرمود که قبه گنبدی که مرقد منور و مضجع مطهر حضرت امام الانس و الجن، علی بن موسی الرضا صلوات الله و سلامه علیهماست مطلقاً سازد و بعد اثر تمکن بر سریر خلافت و جهانداری، به ایفای نذر قیامر نمود» (همان، ۱۴). جمله آخر این نقل قول نشان می‌دهد که احتمالاً نذر طلاکاری گنبد مدتی بعد از این سال، حتی شاید بعد از ۹۴۲ ق. ادا شده باشد. چنین چیزی با توجه به ناامنی‌ها و غارت‌های مکرر شهر در سال‌های بعد از ۹۳۵ ق. دور از ذهن نیست (در این باره ر. ک. سیدی، ۱۳۷۸: ۱۰۲ تا ۱۰۷). در ادامه، امکان این گمان بررسی می‌شود.

تا سال ۹۴۶ ق. که عبیدالله خان ازبک درگذشت، خراسان دائماً توسط ازبک‌ها اشغال و وانهاده می‌شد و مشهد و هرات، چندین بار میان آن‌ها و صفویان دست به دست گشت؛ از جمله در سال ۹۳۹ ق. که شاه تهماسب مدتی مرا در مشهد گذراند (شیرازی، ۱۳۶۹: ۹۰؛ قمی، ۱۳۵۹: ۱۹۱). به دلیل همین آشفتگی‌ها و حضور و غیبت‌ها، برخی اخبار طلاکاری گنبد را مربوط به سال ۹۴۰ ق. می‌دانند که به تاریخ کتیبه طلای مورخ ۹۳۹ ق. در دامر السیاده (قمی، بی‌تا: ۷۹ و ۸۰) - که اکنون موجود نیست - نزدیک می‌باشد. گزارش شیرازی در این باره چنین است:

«گنبد آن روضه را امر فرمودند که اثر طلا مرتب سازند، لهذا طلای خالص و زر نقد آن‌چه برای او می‌بایست، اثر خزانه عامره داده، مجموع آن گنبد را اثر سطح تا قبه

دشوار است تصور کنیم گنبد طلا کتیبه‌های مربوط به شاه تهماسب و نوشته شده در زمان طلاکاری داشته باشد و جانشینان شاه پرواژه صفوی آن را از میان رابه پیش از طلاکاری تقویت می‌کند

همچنین این ماسازی با توجه به جایگاه طلا در باورها به عنوان نماد جاودانگی و نیز به عنایت به جایگاه سرنگ زرد طلایی در باورهای عرفانی، می‌تواند به عنوان یک عمل آئینی و سمبلیک بررسی شود (در این باره ر. ک. اکبری باصری، ص ۱۷۸ و ۱۷۹).

متأسفانه در کتاب‌های تاریخی درباره کتیبه احتمالی این گنبد و مشخصات دیگر طلاکاری آن، گزارشی در دست نیست. در اسناد آستان قدس نیز قطعاً چیزی در این باره نمی‌توان یافت؛ زیرا کلاً اسناد اداری آستانه مربوط به دوره شاه عباس اول و ابتدای سده یازدهم هجری قمری به بعد است. تنها منشی قمی که در *گستان هنر* به تفصیل از هنرمندان این دوره، به خصوص خوش‌نویسان نام برده و حتی نام نقاش و خوش‌نویس داخل بقعه مطهر را گفته (قمی، بی‌تا: ۳۸ و ۱۴۱) به عبدالحق سبزواری اشاره کرده که شاگرد عبدالله طبّاخ بوده و مردم خراسان وی را در خط استاد می‌دانستند. از زندگی او چیز زیادی در دست نیست؛ تنها می‌دانیم که دست‌کم از ۹۲۲ ق. به بعد خوش‌نویسی می‌کرده (بیانی، ۳ و ۱۰۹۸/۴) منشی قمی او را کسی می‌داند که «کتابه گنبد مبارک حضرت امام همام ثامن صلوات‌الله علیه از بیرون به خط اوست» (همان، ۳۲).

این اشاره مهم می‌رساند که گنبد پیش از کتیبه ۱۰۱۶ ق.، کتیبه دیگری داشته؛ اما پرسش این است که این کتیبه پیش از طلاکاری و روی کاشی موجود بوده، یا در زمان طلاکاری اضافه شده است؟ فعالیت‌های هنری استاد کتیبه‌نویس هم در محدوده زمانی قبل و هم معاصر تهماسب اول است و هر دو حالت برای آن قابل تصور می‌باشد. دشوار است تصور کنیم گنبد طلا کتیبه‌ای مربوط به شاه تهماسب و نوشته شده در زمان طلاکاری داشته باشد و جانشینان شاه پرآوازه صفوی آن را از میان برده باشند. این ملاحظه، امکان تعلق کتیبه عبدالحق را به پیش از طلاکاری تقویت می‌کند.

### اولین تعمیر و اولین کتیبه

عباس اول (حکومت ۹۹۶-۱۰۳۸ ق.) مشهورترین و مقتدرترین سلطان صفوی در ۹۹۶ ق. رسماً در قزوین به تخت سلطنت نشست. در این سو و در خراسان، ازبکان با رهبر جدیدی به نام عبیدالله خان هرات را در همان سال و مشهد را هم سال بعد گرفتند. این باس آن‌ها ده سال در مشهد ماندگار شدند و نگرانی بسیاری جدی برای شاه درست کردند (قمی، ۱۳۶۳: ۸۷۵/۲؛ ترکمان، ۱۳۳۵: ۳۸۶/۱). باخرپس گرفت خراسان و مشهد از اولین دغدغه‌های شاه عباس بود. مشهد برای شاه اهمیت بسیار زیادی داشت؛ هم از نظر جایگاه منطقه‌ای در شمال شرق کشور مهم بود و هم به عنوان مهم‌ترین پایگاه شیعی که داخل قلمرواش قرار گرفته بود، جایگاه

خاصی داشت؛ باقی مشاهد ائمه شیعه در عراق عرب و در اختیار عثمانی، رقیب و دشمن صفویان قرار داشت. شاه با دشواری و تلاش فراوان و به یاری بخت بلندی که از مرگ پی‌درپی خان ازبک و جانشینش پیش آمد، در آخر سال ۱۰۰۶ ق. بر ازبکان چیره شد و شهر را بازپس گرفت (همان، ۵۶۱/۱). ازبکان در زمان تصرف شهر و زمان واسپاری و فرار از آن، به‌ویژه در هنگام اشغال شهر، خرابی و غارت زیادی به شهر وارد کردند؛ از جمله در حرم مطهر رضوی که هم اموال و هم در و دیوارش آسیب دیده بود. از گنبد طلا نیز در دو زمان ذکری هست؛ در هنگام فتح شهر «عبدالمؤمن خان حاکم در مشهد تعیین نموده، در وقت رفتن، میل طلای بالای گنبد مبارک را که شاه جنت مکان [تهماسب] ترتیب داده بودند، تصرف نمود» (ترکمان، ۱۳۳۵: ۱/۴۱۴ و ۵۶۱). ظاهراً این میل یا برگردانده و یا جایگزین شد؛ چون دوباره هنگام فرار از شهر، از آن ذکری به میان می‌آید: «بعضی جهلا [ی ازبک] گفتند که چرا شهر معموری را به قزلباش گذاریم؟ شهر را غارت نموده محجر طلای ضریح مبارک حضرت امام [...] و میل مرصع سر گنبد مبارک و آنچه از حلی و زیور آستانه باشد، تصرف نموده، روانه شویم». (همان، ۱/۵۶۱). البته این اقدام دست‌کمر درباره میل یا طوق مذکور عملی نشد. پس یکی از کارهای شاه عباس در مرتب کردن و بازسازی چهره شهر و حرم مطهر، تعمیر مهم‌ترین نماد و جلوه بیرونی آن، یعنی گنبد طلا بود؛ به‌ویژه این که با مرگ عبدالله خان ازبک و فرزندش عبیدالله خان، ازبکان دیگر تهدیدی جدی برای خراسان و مشهد نبودند و این تصرف ده ساله، آخرین برگ مهم از تاریخ مشهد با قوم ازبک به شمار می‌رفت (سیدی، ۱۳۷۸: ۱۵۰).

شاه عباس پیشتر نذر کرده بود که اگر بتواند مشهد را ازبکان پس بگیرد، پیاده به پابوس حضرت رضا (علیه‌السلام) بشتابد. سه سال بعد از پس گرفتن مشهد و با مساعد شدن اوضاع، او این وعده را عملی کرد. شاه زیرک از این فرصت حداکثر بهره‌تبلیقی را برد و سفر پیاده‌اش را از پایتخت تا ره‌اش، اصفهان آغاز کرد. وی با همراهان زیادی به سوی مشهد رهسپار گشت و بعد از به روایتی ۲۸ روز، ۱۹۹ فرسخ شرعی را پیمود و از مسیر کویر به مشهد رسید. او با چنین مقدمه مفصلی، دستوری بازسازی و تعمیرات مهم در مشهد و حرم مطهر را صادر کرد و خود نیز سه ماه زمستان را در شهر ماند. در این مدت اغلب اوقات وی در حرم مطهر می‌گذشت. یکی از کارهای تعمیراتی حرم، بازسازی نمای گنبد مطهر بود که انجام شد (ترکمان، ۱۳۳۵: ۱/۶۱۱؛ منجر یزدی، ۱۳۶۶: ۲۰۸ و ۲۱۸). این تعمیرات و برخی افراد مهم دخیل در آن، در کتیبه دور گنبد ذکر شده است.

پیشتر به گزارش شیرازی اشاره شد که طلاکاری گنبد در زمان تهماسب را «از سطح تا قبه» توصیف کرده بود؛ اما

گنبد پیش از کتیبه ۱۰۱۶ ق.، کتیبه دیگری داشته؛ اما پرسش این است که این کتیبه پیش از طلاکاری و روی کاشی موجود بوده، یا در زمان طلاکاری اضافه شده است؟



گزارش‌های دوره شاه عباس متفاوت است. به‌رغم اشاره صریح شیرازی به طلاکاری اثر سطح تا قبه، منابع دوره شاه عباس از کلمات «ظاهر گنبد» برای قسمت طلاکاری تهماسب و «دور گنبد» برای طلاکاری عباس اول استفاده و بر اضافه کردن سطح طلاکاری توسط شاه عباس تصریح دارند که در این باره سردرگمی ایجاد می‌کند (منجم یزدی، ۱۳۶۶: ۲۱۸).

طلاکاری بالای گنبد را از تهماسب و طلاکاری و ایجاد سه دریچه ساقه گنبد را کار عباس اول می‌دانند: «چون ظاهر گنبد را مرحوم مغفور شاه جنت‌مکانی [تهماسب اول] به تنگه طلا گرفته بود، نواب کلب آستان علی [عباس اول] دور گنبد را از بیرون خشت طلا کردند و اثر جمیع بلاد، از همه قسم استادان که در این امر ضرومر بود، حاضر ساختند» (منجم یزدی، ۱۳۶۶: ۲۱۸) این نوع توصیف نمای گنبد این گمان را که کتیبه عبدالحق مربوط به نمای پیش از طلاکاری باشد را هم تقویت می‌کند.

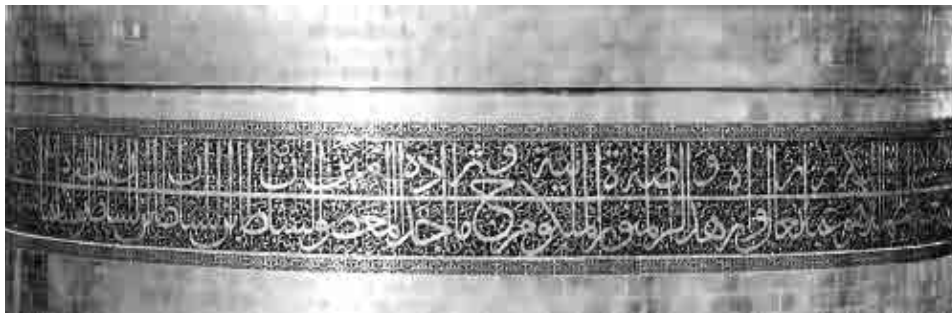
در این زمان شاه عباس تصمیم گرفت در جریان تعمیر یا تکمیل نمای گنبد، کتیبه‌ای به آن اضافه کند. یک کتیبه در امتداد دور گنبد (تصویر شماره ۲). علت نگارش این

ق. به اتمام رسید. این کتیبه را که یک قاب سرتاسری در بالای ساقه گنبد به خط ثلث جلی بر زمینه لاجوردی است، خوش‌نویس محبوب شاه، یعنی علیرضا عباسی تبریزی نگاشت:

«بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ، مِنْ عَظَائِمِ تَوْفِیْقَاتِ اللّٰهِ سُبْحٰنَهُ اَنْ وَفَّقَ السُّلْطٰنَ الْاَعْظَمَ مَوْلٰی مُلُوكِ الْعَرَبِ وَ الْعَجَمِ، صَاحِبَ النَّسَبِ الطَّاهِرِ النَّبَوِیِّ وَ الْحَسَبِ الْبَاهِرِ الْعَلَوِیِّ، تُرَابِ اَقْدَامِ خُدَامِ هَذِهِ الْعَتَبَةِ الْمُطَهَّرَةِ الْاَلٰهَوِیَّةِ، غُبَارِ نِعَالِ رُؤَاةِ هَذِهِ الرُّوْضَةِ الْمُتَوَرَّةِ الْمَلَكُوْتِیَّةِ، مُرُوْجِ اَنْثَارِ اَجْدَادِهِ الْمَعْصُوْمِیْنَ، السُّلْطٰنِ ابْنِ السُّلْطٰنِ ابْنِ السُّلْطٰنِ، اَبُو الْمَطْفَرِ شَاهِ عَبَّاسِ الْحُسَيْنِیِّ الْمَوْسَوِیِّ الْصَفْوِیِّ بَهَادُرْخَانَ، فَاسْتُسْعِدَ بِالْمَجِیءِ مَا شِیْئاً عَلٰی قَدَمِیْهِ مِنْ دَارِ السُّلْطٰنَةِ اَصْفَهَانَ اِلٰی زُرِیَارَةِ هَذَا الْحَرَمِ الْاَشْرَفِ وَ قَدْ تَشَرَّفَ بِتَزْوِیْنِ هَذِهِ الْقُبَّةِ مِنْ خَالِصِ مَالِهِ فِی ۱۰۱۰ سَنَةِ اَلْفٍ وَ عَشْرٍ وَ تَمَّ فِی سَنَةِ اَلْفٍ وَ سِتِّ عَشْرَةَ ۱۰۱۶».

داخل یک قاب کوچک در زمینه کتیبه درست زیر نام شاه عباس، نام خوش‌نویس به خط نستعلیق آمده است: «کتبه

در داخل نوار حاشیه کتیبه، به خط نستعلیق خفی داخل



تصویر ۲: کتیبه دور گنبد به خط علی‌رضا عباسی - نمای جنوبی (۱۰۱۶ ق.)

یک قاب کوچک آمده است: «عمل کمال‌الدین محمود نازل یزدی ۱۰۱۵». نحوه قرار گرفتن هر نام در سه بخش متفاوت کتیبه قابل توجه و منعکس‌کننده مرتبه هر کدام است.

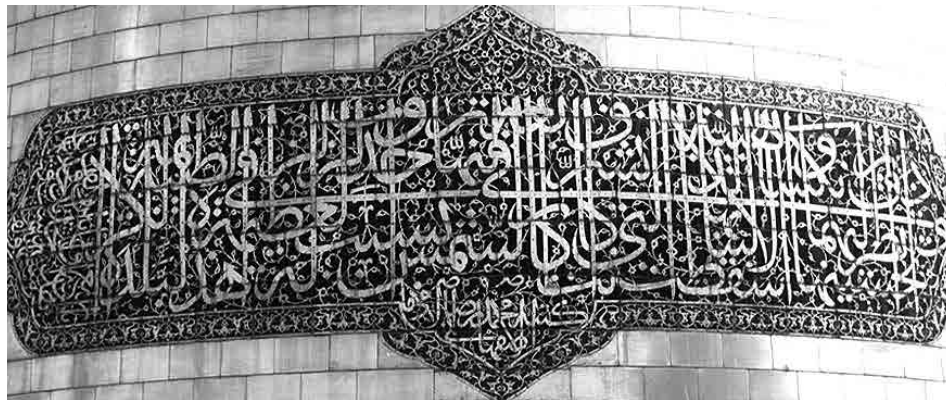
کمال‌الدین محمود یزدی احتمالاً همان زرگر مشهور آستانه در دوره شاه عباس بوده است. کسی که در اسناد آستان قدس در ۱۰۱۱ ق. با عنوان امیر محمود زرگر، تعمیرکننده کرسی ضریح امام‌رضا (علیه‌السلام) از او نام برده شده است. ظاهراً وی فراش حرم هم بوده است (نقدی، ۱۳۹۱: ۵۲۶ به نقل از اسناد آستان قدس). تاریخ اتمام کتیبه ۱۰۱۶ ق. یعنی شش سال بعد از سفر شاه و امر به تعمیرات می‌باشد (تصویر شماره ۳). در زمینه لاجوردی کتیبه، نقوش ختایی به صورت ساقه‌های چرخان و برگ و گل، در لابه لای حروف پیچیده است. این آرایه‌ها در ابتدای کتیبه با گل‌های پر تعداد است و به تدریج در طول کتیبه به نقوش اسلیمی شبیه شده و در آخر کتیبه بدون گل و تنها به شکل ساقه‌ها و برگ‌های نازک تبدیل

کتیبه، اهمیت سفر شاه به مشهد بود. این سفر اثر چند جهت برای شاه بسیار مهم و فرصتی با ارزش محسوب می‌شد. از سویی سفر پیاده اثر اصفهان به مشهد، اعلام عام و تبلیغی برای دو شهر مبدأ و مقصد بود. اصفهان که تازه پایتخت شده بود و مشهد که به‌عنوان مرکز دینی و زیارتی قلمرو صفوی و کعبه مقصود و حج فقرا معرفی می‌شد؛ از سوی دیگر عباس اول را شاهی مردمی، دین‌دار و ثابت قدم نشان می‌داد که نذر دشوار خود را به چنین صورتی ادا می‌کرد. پس انعکاس هرچه بیشتر این رویداد برای شاه بسیار مهم بود.

چنین شد که در تعمیر نمای گنبد، کتیبه‌ای در شرح همین سفر و بازسازی حرم مطهر و گنبد اضافه گردید. به این ترتیب، در بالاترین و پربیننده‌ترین دور نمای حرم، کتیبه‌ای در شرح اقدامات شاه مقتدر صفوی برای آبادانی حرم مطهر احداث گشت. نوشته‌ای که در آن، تأکید می‌شد که شاه از مال خالص خود این اقدامات را انجام داده است. تعمیرات شش سال طول کشید و سرانجام در سال ۱۰۱۶

تصویر ۴: تزئین چهارم - نام محمدرضا امامی خوشنویس در پایین و تاریخ حروفی ۱۰۸۶ ق. در سمت چپ کتیبه.

تصویر ۳: تاریخ عدلی و حروفی ۱۰۱۰ و ۱۰۱۶ ق. در پایان کتیبه دور گنبد.



و آبادانی دوباره آن توسط شاه است. این متن توسط آقا حسین خوانساری ادیب و فقیه برجسته دوره صفوی تنظیم شده (جعفریان، ۸۹۵ و ۸۹۶) و عبارات کتیبه‌های چهارگانه، احتمالاً به دلیل محدودیت اندازه قاب‌ها، خلاصه‌تر از اصل متن است:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، مِنْ مِيَامِنَ مَتْنِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ الَّذِي زَيَّنَ السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِزِينَةِ الْكَوَاكِبِ وَ رَضَعَ هَذِهِ الْقُبَابَ الْعُلَى بِذَرِّرِ الثَّوَابِقِ الدَّرَارِيِّ أَنْ اسْتَسْعَدَ السُّلْطَانَ الْأَعْدَلَ الْأَعْظَمَ وَالْخَافَانَ الْأَفْحَمَ الْأَكْرَمَ أَشْرَفَ مُلُوكِ الْأَرْضِ حَسَبًا وَ نَسَبًا وَ أَكْرَمَهُمْ خَلْقًا وَ أَدْبًا مَرُوجَ مَذْهَبِ أَجْدَادِهِ الْأُمَّةِ الْمُعْصَمِينَ مُحْيِي مَرَامِ أَبَائِهِ الْأَطْيَبِينَ الْأَطَاهِرِينَ السُّلْطَانَ بْنِ السُّلْطَانَ شَاهِ سَلِيمَانَ الْحُسَيْنِيَّ الْمُحْسِنِيَّ الْمُحْسِنِيَّ الصَّفْوَى بِهَادِرْخَانِ بِنْدَهِيْبِ هَذِهِ الْقُبَّةِ الْعَرْشِيَّةِ الْمَلَكُوتِيَّةِ وَ تَزْيِينِهَا وَ تَشْرِيفِ بِنْدَجِيدِهَا وَ تَحْسِينِهَا إِذْ تَطَرَّقَ الْإِنْكَسَارُ وَ سَقَطَتِ بُيُوتُهَا [؟] الدَّهْبِيَّةُ الَّتِي كَانَتْ تَشْرِقُ كَالشَّمْسِ فِي رَابِعَةِ [رَابِعَةَ؟] النَّهَارِ بِسَبَبِ حُدُوثِ الزَّلْزَلَةِ الْعَظِيمَةِ فِي هَذِهِ الْبَلَدَةِ الْكَرِيمَةِ الطَّيِّبَةِ بِسَنَةِ أَرْبَعٍ وَ ثَمَانِينَ وَ أَلْفٍ وَ كَانَتْ هَذِهِ التَّجْدِيدُ الْجَدِيدُ بِسَنَةِ سِتِّ وَ ثَمَانِينَ وَ أَلْفٍ.»

توضیحاتی به خط نستعلیق خفی در برخی ترنج‌ها به چشم می‌خورد:

در پایین ترنج دوم نوشته شده:

«که باشد خراسان این قبه خضراى نورانى محمد باقر اب [؟] حاجى زمان استاد جيلانى.»

«کرده تقدیر برین صفحه عمل قاسم فراش حرم رقوم در پایین ترنج سوم نوشته شده: التوفيق على الله.»

در پایین ترنج چهارم نوشته شده:

«کته محمدرضا الإمامی الإصفهانی» (تصویر شماره ۴). چون ساقه گنبد بلند است، ترنج‌ها به خوبی بر بدنه قرار گرفته و نمای متناسب، زیبا و در عین حال متفاوتی به آن داده است. شیوه خط، خرمینه لاجوردی و حاشیه سبزکتیبه‌ها با کتیبه کمربندی گنبد به خط علی‌رضا عباسی هماهنگی دارد، اما به دلیل محدودتر بودن فضای

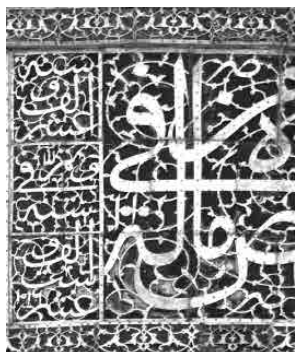
می‌شود. گاهی پیچش ساقه‌ها کامل نیست و به نظر می‌رسد این تفاوت‌ها در تعمیرات بعدی وارد شده و مربوط به اصل کتیبه نیست. نوار حاشیه با خرمینه سبز و نقوش اسلیمی تکرار شونده، در بالا و پایین کتیبه دیده می‌شود. خوش‌نویس اثر کشیدگی حروف «ی» برگردان، یک خط سرتاسری در عرض کتیبه ایجاد کرده و با تقسیم آن به دو قسمت، یک کتیبه دو طبقه نگاشته و چون طول کتیبه و فضای در اختیار هنرمند کافی بوده، به مقتضای مکان و خیلی کم، از جمله در نقطه بسم‌الله، در سه اندازه خیلی کوچک، کوچک و مطابق با دایره قلم، از نقطه گرد استفاده کرده است. قوت دست کاتب و ظرافت کار قطع اثر در نهایت هنرمندی است.

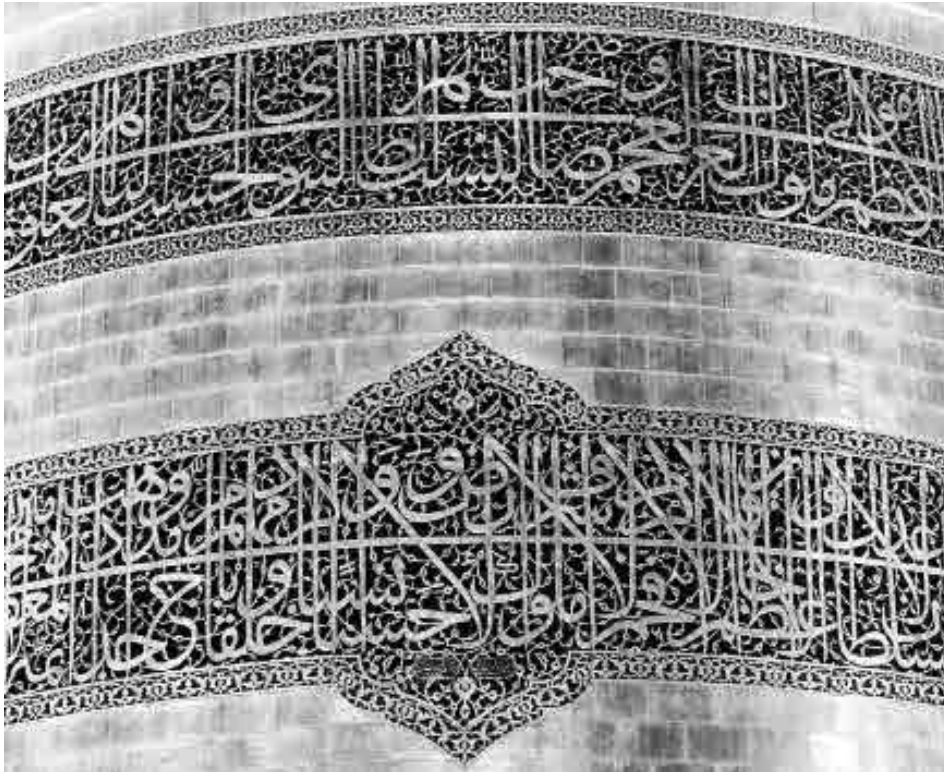
### دومین تعمیر و دومین کتیبه

شش دهه بعد از تعمیرات دوره عباس، در سال ۱۰۸۴ ق. زلزله مهیبی مشهد را لرزاند و خسارات زیادی به شهر و حرم مطهر وارد کرد؛ از جمله گنبد مطهر شکست برداشت. تا دو سال بعد، خرابی گنبد که اهمیت بیشتری داشت، رفع شد. کتیبه‌های چهارگانه پایین ساقه گنبد راوی این تعمیرات است.

شاه سلیمان صفوی (حکومت ۱۰۷۷ - ۱۱۰۵ ق.) به شیوه جدش تصمیم گرفت کار تعمیرات زمان خودش را در یک کتیبه جدید، بر نمای گنبد مطهر ثبت کند. بدین ترتیب در زیر کتیبه دور گنبد، چهار کتیبه در چهار قاب ترنج بازوبندی بزرگ اضافه شد. این کتیبه‌ها را که به شیوه کتیبه قبلی بر ورقه‌های مسی روکش شده با طلا، قطعی و نصب کردند، محمدرضا امامی اصفهانی، خوشنویس بزرگ آن دوره به خط ثلث جلی نگاشت. درباره تعمیرات پس از زلزله، یک کتیبه دیگر با همین تاریخ به صورت یک قاب طلا در بالای درگاه دارالسیاده به دایره الحفظ وجود دارد.

این چهار کتیبه یک متن دنباله‌دار را درباره زلزله مذکور و تعمیرات شاه سلیمان روایت می‌کند. متنی که روایت‌گر عظمت حرم مطهر، خسارت وارده بر آن اثر زلزله مهیب





تصویر ۵: بخشی از تزئین دوم و کتیبه دور گنبد. گل‌های شاه عباسی قرنیه در بالا و پایین تزئین و نقوش ختایی پر گل و برگ زمینه آن در مقایسه با ختایی‌های ساده‌تر در زمینه کتیبه دور گنبد.

۱۳۸۲ ق.: ۶۳۶). روس‌ها روی بام حرم سرفته و با شکستن پنجره‌های گنبد طلا، از بالا به مردم تیراندازی کرده بودند (احتشام کاویانیان، ۱۳۵۴: ۸۲) خسارت‌ها به بناهای حرم در حدود ۱۳۰ تا ۲۵۰ هزار تومان برآورد شد (حسن‌آبادی، ۱۳۸۹: ۱۳ و ۱۶). تصاویر متعددی اثر خرابی گنبد مطهر در این زمان در دست است که میزان خسارت را تا حدی نشان می‌دهد. بنا به گزارش بدر فروزان هجده نقطه گنبد سوراخ شده و گلوله‌های توپ میان دو پوش گنبد افتاده (فیض، ۱۳۶۴ ق.: ۲۳۷) و همچنین بسیاری از خشت‌های طلاکاری شده را خراب کرده بود (تصویر شماره ۱۳ چند ماه بعد از این واقعه تعمیر گنبد مطهر آغاز شد. خراسانی از وجود داربست چوبی اطراف گنبد و تعمیر آن اشاره دارد (همان، ۶۳۶)؛ اما تعمیر قسمت‌های دیگر صحن چند سال طول کشید (احتشام کاویانیان، ۱۳۵۴: ۲۲۹). مرتضی‌قلی خان طباطبایی نایب التولیه وقت به حمایت مالی حسین میرزا نیرالدوله والی خراسان، حاج قائم مقام التولیه سرسلسله سادات مرضوی و مردم، کار تعمیر را انجام داد (همان، ۸۳). وضعیت آستان قدس و کشور در این زمان بدتر از آن بود که امکان نوسازی کلی‌های گنبد وجود داشته باشد. در کتیبه سنگی مربوط به اقدامات نیرالدوله که به صورت مخدوش و ناقص در فضای بانر مقابل بنای هارونیه توس در معرض دید گذاشته شده (تصویر ۶)، به‌عنوان اولین اقدام مهم او آمده که «مجدداً

ترنج‌ها، عبارات درهم نگاشته و با ترکیب بسیارفشرده‌تری نسبت به کتیبه دور گنبد اجرا شده است. بیشتر نقطه‌ها نیز برای رعایت فضا، به صورت دایره و کوچکتر اثر حد معمول در میان کلمات قرار گرفته است. گردش دایره‌ای شاخه‌های ختایی خرمینه که به‌طور متناوب تکرار شده، بسیار زیباست. به‌رغم محدودتر بودن فضا، ختایی‌های خرمینه پرکارتر از کتیبه دور گنبد بوده، در فضای بالای لچکی با یک گل شاه‌عباسی به‌عنوان نقطه شروع ختایی‌ها و یا یک عبارت توضیحی، مانند نام کاتب و یا زرگر پر شده است (تصویر شماره ۵).

### توپ‌بندی حرم و سومین تعمیر

در سال ۱۳۳۰ ق. قزاق‌های روسی حامی محمدعلی شاه که بر ضد مشروطه‌خواهان موضع داشتند، به‌عنوان بخشی از واحدهای نظامی روسیه وارد شمال ایران، از جمله مشهد شدند. آن‌ها در پی درگیری با دسته‌های مختلف مردم که در حرم مطهر جمع شده تشکیل داده بودند، آن‌جا را بمباران کرده، به مردم حمله کردند (ادیب هروی، ۱۳۲۷: ۲۱۵؛ احتشام کاویانیان: ۸۸). این تهاجم که به «آشوب آخرالزمان» و «عاشورای ثانی» مشهور شد، باعث خسارات فراوانی به مجموعه حرم مطهر گردید. به‌ویژه گنبد مطهر، رواق‌های اطراف آن و مسجد گوهرشاد آسیب دید (ادیب هروی، ۱۳۲۷: ۲۱۷؛ خراسانی،



گنبد مطهر را تذهیب نمود». این کتیبه به خط غلامحسین خادم کیمیا قلم مؤید دفتر آستانه است و متأسفانه تاریخ آن مخدوش شده و مشخص نیست که دقیقاً کجا نصب بوده؛ اما با توجه به وجود کتیبه‌های دیگری از وی در غرفه‌های صحن انقلاب، که مربوط به حدود ۱۳۳۰ قمری به بعد است، باید منظور از تذهیب گنبد، همان تعمیرات نما بعد از توپ‌بندی روس‌ها باشد؛ چون نیرالدوله دو بار، یکی در دهه بیست قمری و دیگری در دهه سی قمری به حکومت خراسان رسید. اما کسانی مثل افضل‌الملک که شرح کارهای عمرانی وی در دهه بیست را نگاشته‌اند، اشاره‌ای به گنبد مطهر نکرده‌اند (افضل‌الملک، بی‌تا: ۵۵ و ۱۱۵). عبارت کتیبه درباره تعمیرات گنبد اغراق‌آمیز به نظر می‌رسد و منظور از تجدید تذهیب گنبد، تعمیر و تعویض خشت‌های سوراخ شده، باید باشد؛ زیرا آثار گلوله‌ها تا هنگام پلاکاری سال ۱۳۵۷ ش. در برخی قسمت‌ها وجود داشته است (پاکدل، ۱۳۹۱).

#### چهارمین و آخرین تعمیر

تساویر گنبد مربوط به دهه بیست شمسی به بعد، فرسودگی و شکاف میان خشت‌های نمای گنبد را نشان می‌دهد. ظاهراً در اوایل دهه پنجاه شمسی تصمیم گرفته شد تا نمای ایوان طلای صحن انقلاب (صحن عتیق)، گنبد و گل‌دسته طلای کنار آن، به کلی نوسازی گردد. سندی مربوط به خرداد سال ۱۳۵۵ ش. در این باره، از مکاتبه میان دربار پهلوی دوم و نایب‌التولیه وقت آستان قدس عبدالعظیم ولیان، حکایت دارد. این سند به آستان قدس اجازه می‌داد «برای آب‌پلاکاری ایوان‌های طلا و گنبد حرم حضرت رضا (علیه‌السلام) از وجود کارشناسان و کارگران ماهر پاکستانی استفاده کند». پیشنهاد حضور افراد پاکستانی احتمالاً به آقای ابوالحسن حافظیان رضوی بانی ضریح شیر و شکر (ساخته شده در ۱۳۳۸ ش.) که با هند و پاکستان مرادده داشت (حافظیان، ۱۳۹۰: ۱۶ و ۲۰) و یا تحصیلات ولیان در پاکستان مرتبط باشد (مرکز بررسی اسناد...، ۱۳۷۹، ۳۳؛ احتشام کاویانیان، ۱۳۵۴: ۵۸۷). از این مکاتبه پیداست که تصمیم برای تغییر نمای گنبد جدی است.

فراهم کردن مقدمات این کار مهم دو سال طول کشید و پس از تعمیر ایوان طلا، سرانجام در خرداد ۱۳۵۷ تعمیر و بازسازی گنبد آغاز گردید (همان، سند شم. ۸۷۳۸۵/۸۸؛ پاکدل، ۱۳۹۱). چون کار زرگران پاکستانی در پلاکاری ایوان موفق نبود، آقای حسین پرورش از طلاکاران اصفهانی کار ایوان را تمام کرد و پیمان‌کاری طلای گنبد را به اتفاق جعفر نوروزخان، آبکار تهرانی عهده‌دار گشت. جدا از آب‌کاری، کار تعمیر، نرپرسازی و نصب نما توسط استادکاران آستان قدس و به سرپرستی محمدصادق رأفتی (حامد مقدم) معمار آستان قدس صورت گرفت. گرچه

کارگاه پلاکاری حرم مطهر در کار آب‌کاری نیز همکاری مؤثر و نظارت کامل داشت (پاکدل، ۱۳۹۱) و به دلیل عملکرد موفق این کارگاه، کار تجدید نمای گلدسته‌های طلا توسط زرگران آستان قدس انجام شد (همان، سند شم. ۸۷۳۸۵/۲۷).

پس از برپایی داربست (همان، تصویر شماره ۸)، بر روی تمامی خشت‌ها شماره ردیف درج و سپس اثر گنبد جدا گردید (همان، تصویر شم. ۲۵۴۲) (تصویر شماره ۷). برای ساخت زیرکار فاساگری، ابتدا یک لایه بتن و میل‌گرد به قطر ۲۰ سانتی‌متر روی پوشش آجری گنبد اجرا و سپس در زمان نصب نما، لایه دیگری از بتن و میل‌گرد نازکتر به قطر ۱۰ سانتی‌متر، خشت‌های مسی کلاف شده در یکدیگر را به بدنه گنبد محکم کرد (پاکدل، ۱۳۹۱). خشت‌های تازه از ورقه‌های مسی در همان اندازه‌های اصلی ۲۵ در ۳۸ سانتی‌متر بریده، حاشیه‌های اضلاع گوناگون آن‌ها به صورت مختلف کام و خرابانه، خم و صیقلی شد. لبه‌های برگشته خشت‌ها برای میخ‌کردن به زمینه به صورت منظم سوراخ شد و برای محکم‌کردن خشت در دل زمینه بتنی، دستک‌هایی به پشت خشت‌ها تعبیه گردید. (ساخرمان کتابخانه‌ها...، سند شم. ۸۷۳۸۵/۵؛ پاکدل، ۱۳۹۱)

در ابتدا کار خوب پیش رفت. شتاب و سوء مدیریت باعث شد روکش طلای خشت‌ها پوسته گردد و موجب توقف موقت کار شود (مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۷۹: ۴۲۶). اسناد طلاهای تحویلی و صورت طلاهای مصرفی برای کار نیز این توقف را منعکس می‌کند. خرابی پلاکاری مربوط به اجرای ناقص مراحل آب‌کاری و صیقلی نکردن خشت‌ها بعد از آب طلا بود (پاکدل، ۱۳۹۱). کار با آهنگ‌کنندگی ادامه یافت که انقلاب اسلامی پیروز شد و دگرگونی اساسی در اداره آستان قدس روی داد. این امر در اسناد مذکور و فهرست طلاهای تحویل شده، پیداست. مطابق اسناد، نصب خشت‌ها که تا بهمن ماه ادامه داشته، متوقف و دوباره با استقرار حکومت جدید و تغییر مدیریت، در تیرماه ۱۳۵۸ آغاز می‌گردد (ساخرمان کتابخانه‌ها...، اسناد شم. ۸۷۳۸۱/۷۷ و ۸۷۳۸۵/۸۶). اتمام رسمی کار فاساگری گنبد در خرداد ۱۳۵۹ بود و تا این زمان، در چندین مرحله طلا و ورقه‌های مسی تحویل کارگاه شد (همان، اسناد شم. ۸۷۳۸۸/۱۰ و ۸۷۳۸۹/۲). خشت‌های قدیمی برچیده و از طلا زدوده می‌شد (همان، سند شم. ۸۷۳۸۹/۲). مقرر شد برخی از آن‌ها در کار نمای جدید استفاده شود و برخی نیز به انبار رفت تا برای نم‌کاری گلدسته‌های طلا استفاده گردد (همان، سند شم. ۸۷۳۸۷/۵).

مطابق صورت‌جلسه رسمی اتمام کار، تعداد ۷۷۴۰ عدد خشت در نوسازی گنبد به کار رفت که ۷۱۹۳ عدد آن جدید بوده است. ۱۶۸۰۸ کیلوگرم وزن خشت‌های مسی و ۲۲۲/۱۹ کیلوگرم طلای تیزابی (با بالاترین عیار) جذب



مشهد توسط ازبکان و بازپس‌گیری آن ارتباط دارد و در هر دو مورد، نذر شاه عامل انجام کار و به‌عنوان یک عمل معنوی بزرگ بیان شده است. همچنین دو کتیبه دور گنبد و ترنج‌ها که به فاصله هفتاد سال اثر یکدیگر اجرا شد، مشابهت زیادی دارند. هر دو کتیبه مربوط به تعمیرات و اعلام عام آن است. در هر دو کتیبه نام زرگران و کاتبان آمده که زرگران هر دو دوره، فراش حرم هم بوده‌اند.

طلاکاری گنبد احتمالاً در انتخاب نمای طلاکاری برای گلدسته‌ها و ایوان جنوبی صحن انقلاب (صحن کهنه) توسط نادرشاه مؤثر بوده است. نوع خط، تکنیک اجرا و رنگ زمینه و حاشیه در هر دو کتیبه گنبد یکسان است؛ همچنین رنگ لاجوری زمینه و نقش اسلیمی و رنگ سبز نوار حاشیه، در همه کتیبه‌های طلای بعدی در دوره افشاریه و قاجاریه، دیده می‌شود: کتیبه نستعلیق ایوان شرقی دارالسیاده، کتیبه‌های نستعلیق اسپر و ثلث ایوان طلای نادری (ایوان جنوبی صحن انقلاب) و کتیبه‌های نستعلیق ایوان طلای ناصری. می‌توان قدرت جلوه بصری و شخصیت برتر نمای طلا و کتیبه سرتاسری علیرضا عباسی را در آثار طلاکاری دوره‌های بعد به وضوح مشاهده کرد. آخرین تعمیر نمای گنبد یک روند زمان‌بر و پیچیده اثر مرمت و بازسازی بود که تجربیات تازه‌ای را به همراه داشت. تجربیاتی که اعتماد به نفس لازم را برای تعمیرات و طلاکاری‌های جدید در فضاهای حرم مطهر را فراهم کرد و کیفیت و پایداری کار طلاکاری در حرم مطهر را ارتقا داد.

شده روی ورقه‌های مسی بود. ۱/۴۳ کیلو اثر این طلاها، بازیابی شده اثر خشت‌های قدیمی بوده است (همان، سند شم. ۸۸/۸۷۳۸۵۲۰). میزان ضخامت روکش طلا شانزده هزارم میلی‌متر، یعنی چهار برابر ضخامت روکش قبلی است که به طریقه الکترولیت اجرا و در سطح ۷۰۰ متر مربع نصب شد (اداره امور فرهنگی و روابط عمومی آستان قدس، ۱۳۶۲: ۳۰). روی هر خشت ۳۰ گرم طلا مصرف شد که البته این مقدار در خشت‌های ردیف‌های بالایی گنبد که کوچکتر است، تغییر می‌کند (ساخرمان کتابخانه‌ها...، سند شم. ۱۵/۸۷۳۸۵). این اولین بار بود که در طلاکاری حرم مطهر، تکنیک آبکاری به جای روش سنتی چسباندن ورقه‌های طلایی به کار می‌رفت.

حافظیان رضوی که پیشتر کار تعویض ضریح چهارم را عهده داشت، در این کار هم نماینده تولیت آستان قدس و ناظر کار بود و به پیشنهاد او، سنگ فیروزه‌ای رنگی بر سرطوق جدید گنبد نصب گردید (سازمان کتابخانه‌ها، سند شم. ۸۶/۸۷۳۸۵). این سرطوق را هنرمندان مشهدی در سیس‌آباد ساختند (پاکدل، ۱۳۹۱).

با نوسازی خشت‌ها و طلاکاری، جلوه طلایی گنبد درخشنده‌تر و نما کاملاً یک‌دست شد. اضافه کردن یک لایه نازک از بتن روی آجرهای گنبد، بهتر شدن زیرکار و اجرای دقیق‌تر نما را به ارمغان آورد (اداره امور فرهنگی...، ۱۳۶۲: ۳۰). بعد از طلاکاری گنبد مطهر، کار تعویض نمای گلدسته‌های طلا نیز آغاز و سال بعد به اتمام رسید (همان، سند شم. ۴/۸۷۳۸۷).

در اثر اضافه شدن لایه ۳۰ سانتی‌متری بتن آرمه روی گنبد، طول زمینه اندکی بیشتر شد و فضا برای افزودن کتیبه این بازسازی فراهم گشت. کتیبه‌ای که به صورت یک قاب مستطیل کوچک به خط نستعلیق بر زمینه سبز در انتهای کتیبه دور گنبد اضافه شد:

«هو العزیز در آغاز پانزدهمین قرن بعثت نبوی و در آستانه سال‌روز پیروزی انقلاب عظیم اسلامی ایران به رهبری قائد اعظم امام خمینی تجدید طلاکاری و تعمیرات گنبد مطهر انجام پذیرفت. صفرا لمظفر ۱۴۰۰ ه قمری [آذر ۱۳۵۹ ش.].» (تصویر شماره ۹)

### جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

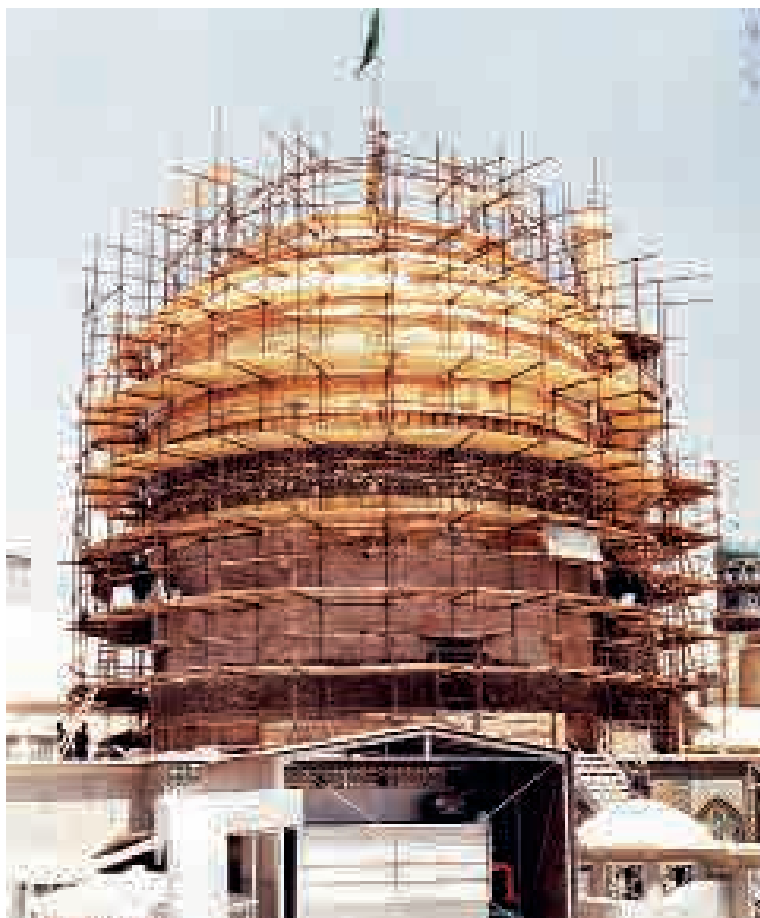
طلاکاری گنبد مطهر رضوی که در میانه سده دهم هجری قمری، توسط شاه تهماسب اول صفوی انجام شد، شاید اولین پوشش تمام فلزی، آن هم از نوع طلا، در گنبد‌های اسلامی باشد. با توجه به گرفتاری‌های تهماسب و ناامنی‌های مشهد، این اتفاق باید بعد از ۹۴۲ ق. رخ داده باشد. نیم سده بعد، عباس اول صفوی این نما را بازسازی و کتیبه‌ای به آن اضافه کرد. ماجرای روکش کردن گنبد توسط تهماسب اول و تعمیر آن توسط عباس اول از جهاتی به هم شبیه هستند. هر دو اتفاق با اشغال

تصویر ۶: کتیبه سنگی نیرالدوله  
که در آن به تذهیب گنبد مطهر اشاره دارد  
(محوطه هارونیه توس).



تصویر ۷: شماره گذاری و جداسازی خشت‌ها -  
آخرین نوسازی نما در ۱۳۵۵ ش.  
آرشو اسناد سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و  
مرکز اسناد استان قدس - تصویر شماره ۲۵۴۳





تصویر ۸: آخرین بازسازی نمای گنبد طلا در میانه کار. آرشيو اسناد سازمان گنجینهها، موزهها و مراکز اسناد آستان قدس - تصوير شماره ۰۶۹۱.



تصویر ۹: کتیبه نوسازی نمای گنبد در سال ۱۳۵۹ ش. / ۱۳۰۰ ق. اضافه شده به انتهای کتیبه دور گنبد.



- منابع
- احتشام کاویان، محمد (۱۳۵۴)، *شمس‌الشموس*، مشهد: آستان قدس رضوی.
- اداره امور فرهنگی و روابط عمومی آستان قدس (۱۳۶۲)، *سیمای انقلاب در آستان قدس*، مشهد: آستان قدس رضوی.
- ادیب هروی، محمدحسن (۱۳۲۷)، *حدیقه‌الرضویه - تاریخ مشهد*، مشهد: مؤلف.
- اعتمادالسلطنه، محمد حسن خان (۱۳۶۲)، *مطلع‌الشمس - تاریخ ارض اقدس و مشهد مقدس*، به کوشش تیمور برهان لیومدهی، تهران: فرهنگسرا.
- افضل‌الملک، غلام حسین (بی‌تا)، *سفرنامه خراسان و کرمان*، به کوشش قدرت‌الله روشنی زعفرانلو، تهران: توس.
- افوشته‌ای نطنزی، محمودبن‌هدایت‌الله (۱۳۷۳)، *نقاوة‌الآثار فی ذکر‌الاخبار*، به اهتمام احسان اشرافی، تهران: علمی و فرهنگی.
- اکبری باصری، قدسیه (۱۳۹۱)، *رموز قدسی رنگ در حرم امام علی‌بن‌موسی‌الرضا(علیه‌السلام)*، رساله کارشناسی ارشد رشته معماری، استاد راهنما: سعید میرریاحی، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- امینی هروی، امیر صدرالدین ابراهیم (۱۳۸۳)، *فتوحات شاهی*، تصحیح محمدرضا نصیری، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- پاکدل، محمد (۱۳۹۱)، *دست‌اندرکار طلاکاری گنبد در ۱۳۵۷ - ۱۳۵۹ و مسئول کارگاه طلاکاری حرم مطهر ائمه ۱۳۶۰ تا ۱۳۸۱ ش.*، مصاحبه در تاریخ ۱۳۹۱/۹/۱۸ در محل کتابخانه بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس.
- ترکمان، اسکندربیگ (۱۳۳۵)، *تاریخ عالم‌آرای عباسی*، به کوشش ایرج افشار، تهران: امیرکبیر، ۲ جلد.
- تهماسب‌بن‌اسماعیل‌بن‌حیدری الصفوی (۱۳۶۳)، *تذکره شاه تهماسب*، به مقدمه امرالله صفری، تهران: شرق.
- جعفریان، رسول (۱۳۸۸)، «کتابخانه گنبد امام‌رضا علیه السلام از آقا حسین خوانساری»، *پیام بهارستان*، دوره دوم، ش. ۱.
- حسن‌آبادی، ابوالفضل (۱۳۸۹)، «بررسی اسنادی اثر برآورد خسارت وارده به حرم رضوی در بهارن ۱۳۳۰ ق.»، *شمسه* (نشریه الکترونیکی سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی)، دوره دوم، ش. ششم، بهار، به نشانی اینترنتی:
- [http://www.aqlibrary.org/index.php?module=TWArticles&file=index&func=view\\_pid&pid=1107&pubarticles&did=11](http://www.aqlibrary.org/index.php?module=TWArticles&file=index&func=view_pid&pid=1107&pubarticles&did=11)
- حافظیان، سیده قدسیه (۱۳۹۰)، *حافظ اسرار - اسرج‌نامه عارف واصل علامه سید ابوالحسن حافظیان*، تهران: خاتون قلم.
- خراسانی، ملا محمدهاشم (۱۳۸۲ ق.)، *منتخب‌التواریخ*، تهران: کتاب‌فروشی اسلامی.
- سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس
- رضوی، اسناد و تصاویر موجود در مدیریت اسناد و مطبوعات.
- سعادت، بیژن (۱۹۷۶ م.)، *بارگاه رضا(علیه‌السلام) - مجموعه مطالعاتی ابنیه آستان قدس رضوی*، فلورانس: مؤسسه ایل کاندلیو ادیتسیونه.
- سیدی، مهدی (۱۳۷۸)، *تاریخ شهر مشهد*، تهران: جامی.
- شیرازی، عبدی بیگ (۱۳۶۹)، *تکلمة‌الاخبار*، تصحیح عبدالحسین نوایی، تهران: نشر نی.
- عام‌زاده، بزرگ (۱۳۹۰)، *دانشنامه رضوی*، تهران: شاهد با همکاری سازمان فرهنگی سیاحتی کوثر.
- عطاردی، عزیزالله (۱۳۷۱)، *تاریخ آستان قدس رضوی*، تهران: عطارد، ۳ جلد.
- فیض، عباس (۱۳۶۴ ق.)، *بدر فروزان*، قم: بنگاه چاپ قم.
- قمی، قاضی احمد (۱۳۵۹)، *خلاصه‌التواریخ*، تصحیح احسان اشرافی، تهران: دانشگاه تهران، ج اول.
- (۱۳۶۳)، ج دوم.
- کشمیری، خواجه عبدالکریم ابن خواجه عاقبت محمود (۱۹۷۰ م.)، *بیان واقع - سرگذشت احوال نادرشاه*، تصحیح ک. ب. نسیم، لاهور: اداره تحقیقات پاکستان دانشگاه پنجاب.
- مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات (۱۳۷۹)، *رجال عصر پهلوی به روایت اسناد ساواک - کتاب پنجم: عبدالعظیم ولیان*، تهران: وزارت اطلاعات.
- منجم یزدی، ملا جلال (۱۳۶۶)، *تاریخ عباسی - روزنامه ملاجلال*، به کوشش سیف‌الله وحید نیا، تهران: وحید.
- نقدی، رضا (۱۳۹۱)، «زرگری در آستانه»، *دایرة‌المعارف آستان قدس*، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- هینتس، والتر (۱۳۶۸)، *اوزان و مقیاس‌ها در اسلام*، ترجمه غلامرضا مرهم، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- \* از سروران گرامی، استاد محمد پاکدل جهت بذل وقت و انجام مصاحبه، آقایان سید رضا شالفروشان و حسن‌خانی برای هماهنگی مصاحبه سپاسگزاری می‌شود.